



Political economy and integrated greenbelt management of Tehran metropolitan area

Rahim Sarvar¹, Behrooz Darvish², Mohammad Ali Khaliji^{3*}

¹ Department of Geography and Urban Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Department of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Department of Urban Planning, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Abstract: The greenbelts of the cities are the places of spatial organization and connection of natural, social, economic and physical forces and processes in the context of the geographical environment, and they shape the relations and flows of different people and the environment on the political system. Meanwhile, political economy and its affected components are one of the influential indicators on the changes and transformations of urban spaces. The physical-spatial developments of the urban area of Tehran are a function of the political economy of the space more than any other variable, which leaves its effects on the state of its physical, economic and social indicators. The purpose of this research is to identify the effective components of political economy on the integrated management of the urban area of Tehran and to solve its problems. The research method is descriptive-analytical, the structural equation technique is used to identify the influential and effective components of the political economy on the spatial organization of the urban area of Tehran. The results show that four components, economic, physical, policy-making, institutional, and political economy, explain the Tehran's greenbelt by 86.48 percent, and among the components of the research, the institutional component with a coefficient of 0.956 and the second component of systemization with a coefficient of 0.945 have the greatest influence on the integrated management of urban greenbelt.

Key Words Political Economy, Integrated Management, Greenbelt, Metropolis, Tehran.

اقتصاد سیاسی و مدیریت یکپارچه حریم منطقه کلان‌شهری تهران

رحیم سرور^۱، بهروز درویش^۲، محمد علی خلیجی^۳

۱- استاد گروه جغرافیا، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- دکتری تخصصی رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- استادیار گروه شهرسازی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

چکیده

حریم شهرها محل پیوند و سازمان‌یابی فضایی نیروها و فرایندهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در بستر محیط جغرافیایی و شکل‌دهنده روابط و جریان‌های مختلف و متنوع انسان و محیط بر نظام سیاسی حاکم هستند. در این بین، اقتصاد سیاسی و مؤلفه‌های متأثر از آن، یکی از این شاخص‌های تأثیرگذار بر تحولات و دگرگونی‌های فضاهای شهری است. تحولات کالبدی - فضایی پهنه حریم منطقه شهری تهران بیش از هر متغیری تابعی از اقتصاد سیاسی فضا است که اثرات خود را در وضعیت شاخص‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی آن برجای می‌گذارد. هدف از این تحقیق نیز شناسایی مؤلفه‌های مؤثر اقتصاد سیاسی بر مدیریت یکپارچه حریم منطقه شهری تهران و رفع معضلات آن است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و از تکنیک معادلات ساختاری برای شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر اقتصاد سیاسی بر سازمان‌یابی فضایی حریم منطقه شهری تهران استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند چهار مؤلفه اقتصادی، کالبدی، سیاست‌گذاری، نهادی، اقتصاد سیاسی حریم پایتخت را ۸۶/۴۸ درصد تبیین می‌کنند که در بین مؤلفه‌های پژوهش، بیشترین تأثیرگذاری بر مدیریت یکپارچه حریم مؤلفه نهادی با ضریب ۰/۹۵۶ و دومین مؤلفه سیاست‌گذاری با ضریب ۰/۹۴۵ است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد سیاسی، مدیریت یکپارچه، حریم، کلان‌شهر، تهران.

* Corresponding Author: Mohammad Ali Khaliji

E-mail address: sarvarh83@gmail.com, darvi78be@yahoo.com, ma.khaliji@srbiau.ac.ir



مقدمه

زد. بالابودن نسبت خانوار به واحد مسکونی، بعد بالای خانوار، بی‌سوادی و ترک تحصیل، نسبت بالای زنان سرپرست خانوار، بیکاری و اشتغال پایین، بالابودن نسبت جمعیت صفر تا ۱۴ ساله و نرخ پایین اشتغال زنان، بخشی از ویژگی‌های اجتماعی حاکم بر حریم پایتخت است که به تهیه و اجرای برنامه‌های خاص نیازمندند. بطئی بودن روند بهبود شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، روند روبه‌رشد جمعیت، جوانی جمعیت و انتظارات و توقعات متعدد آنها در کنار ضعف ساختارها در پاسخگویی به نیازهای اشتغال و مسکن و سبک مدیریت امنیت اجتماعی از عوامل اصلی تشدید ابعاد ناامنی اجتماعی و احتمالاً تبدیل شدن آنها به یک بحران در آینده‌اند که به تحلیل و برنامه‌های خاص نیازمندند. ساخت‌وسازهای غیرقانونی، تجاوز به اراضی، بیکاری و مشاغل کاذب و آلودگی‌های زیست‌محیطی از جمله مسائلی‌اند که در کانون توجه کارشناسان قرار دارند.

از این رو، برای ریشه‌یابی تحولات و سازمان‌یابی فضایی کلان‌شهرها ضروری است عوامل و معیارهای تأثیرگذار نظام اقتصادی - سیاسی حاکم بر کلان‌شهرهای ایران به‌ویژه حریم و پیراشهری منطقه کلان‌شهری تهران و تأثیرات آنها بر سازمان‌یابی فضا بررسی شوند؛ بنابراین، این مقاله سعی دارد به این سؤالات پاسخ دهد که مؤلفه‌های مؤثر اقتصاد سیاسی بر سازمان‌یابی فضایی حریم منطقه کلان‌شهری تهران کدام‌اند. همچنین، اثرگذارترین و اثرپذیرترین عوامل میان مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی بر سازمان‌یابی فضایی حریم منطقه کلان‌شهری تهران کدام‌اند.

مبانی نظری پژوهش

اقتصاد سیاسی را می‌توان محصول و برآیند تأثیرگذاری اهداف و تصمیم‌گیری‌های سیاست بر اقتصاد دانست. براساس همین تعریف اقتصاد سیاسی فضا عبارت است از نقش عوامل و نیروهای سیاسی بر اقتصاد فضا که در این اصطلاح فضا به مفهوم عینی یا همان جغرافیایی است. فلانینگن کل اقتصاد سیاسی فضا را رویکرد ساختارگرایی می‌نامد و با رسم نمودار، وجود بارز این دیدگاه را رویکرد سنتی در مطالعات شهری می‌داند. این نمودار می‌تواند مقدمه مفیدی برای آشنایی با اقتصاد سیاسی فضا باشد (مردعلی، ۱۳۹۱: ۱۹-۱۴):

قرن بیستم، عوامل اقتصادی - سیاسی اهمیتی فراوان نسبت به دیگر عوامل پیدا کردند؛ در این میان، عوامل مختلفی بر این تحول و دگرگونی‌ها تأثیرگذارند. اقتصاد سیاسی و مؤلفه‌های مختلف متأثر از آن، یکی از این شاخص‌های تأثیرگذار بر تحولات و دگرگونی‌های فضاهای شهری است و اقتصاد سیاسی حاکم بر شهرها اساس مسائل شهری محسوب می‌شود. در هرگونه تحلیل و نظریه‌پردازی، درباره‌ی فضای شهری، به اساس اقتصاد سیاسی توجه بیشتری می‌شود؛ به‌طوری‌که این معیار نسبت به کارکردهای اجتماعی، اهمیت بیشتری در ایجاد فضای شهری داشته است. عده‌ای اوضاع اقتصادی، تأثیر گرفته از تفکرات سیاسی خاص در فضا سازی جغرافیایی به‌خصوص جغرافیای شهری را به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در شهرها می‌دانند. پس با توجه به اهمیت آن، برنامه‌ریزان شهری، در قرن حاضر در تحلیل فضای شهری باید به اقتصاد سیاسی، محلی و ملی و نتایج حاصل از آن در کیفیت زندگی مردم توجه بیشتری کنند.

در این بین، اقتصاد سیاسی وابسته به نفت در کشورهای در حال توسعه سبب ایجاد رانت می‌شود و این عامل به‌وجودآورنده‌ی بسیاری از تحولات و مشکلات خواهد شد. رشد بی‌رویه‌ی فیزیکی در کلان‌شهرها، جدایی‌گزینی فضایی و سکونت در حومه‌های شهر و همچنین سوداگری و رانت و نابرابری در توزیع خدمات و منابع شهری، بی‌عدالتی، شکاف طبقاتی و همه این عوامل سبب ایجاد تحول در ساختار و سازمان‌یابی کلان‌شهرها می‌شوند.

شکاف در آمدی به‌عنوان یک عامل مؤثر در تعریف محدوده حضور ساخت‌وساز غیرقانونی عمل می‌کند. به عبارتی گسترش ساخت‌وساز در تمامی جهات با مقیاس‌های متنوع درآمدی رخ داده است. در واقع شیب اجتماعی موجود در تهران به حریم نیز سرایت کرده است و بعید نیست که با اشباع اراضی خوش آب‌وهوای محدوده‌های شمالی حریم، شاهد دست‌اندازی این قبیل اقشار به مناطق محدود خوش آب‌وهوا در پهنه‌های جنوبی و شرقی حریم باشیم. تداوم این وضعیت در کنار تعاونی‌ها که امکان حضور اقشار متوسط را برای سکونت در حریم مهیا می‌کنند، در آینده شکاف اجتماعی و جدایی‌گزینی‌های فضایی و اجتماعی را در حریم رقم خواهد

جدول ۱- رویکرد ساختارگرایانه در اقتصاد سیاسی

ساختارگرایی	فرهنگ‌گرایی	جایگاه شهر
شهر، تجلی‌گاه تمرکز نیروهای اقتصادی و سیاسی و روابطی است که گستره‌ای در سطح نظام جهانی دارند.	اندازه و تراکم به شیوه‌های خاص تفکر، تعامل و سازمان اجتماعی	
تأکید بر اقتصاد سیاسی یا نیروهای فرامنطقه‌ای است.	شهر روبه‌رشد بوده و منعکس‌کننده پیشرفت، نوآوری، سازمان و تکنولوژی است.	ایدئولوژی
شهرهای جهان سوم از دیدگاه اقتصاد سیاسی، انگلی است و یک توسعه ناموزون در سطح بین‌المللی وجود دارد.	تأکید بر اکولوژی، اجتماع و وجوه محیطی محلی است.	نیروهایی که محیط را شکل می‌دهند.
نابرابری ساخت یافته ریشه در تغییرات نظام اقتصادی دارد.	در نظریه نوسازی، شهر عامل توسعه‌نیافتگی از طریق اشاعه گرایش به تکنولوژی و اشکال سازمان اجتماعی مدرن است.	توسعه و توسعه‌نیافتگی
نابرابری ساخت یافته ریشه در تغییرات نظام اقتصادی دارد.	تز فرهنگ فقر غلبه دارد.	قشریندی اجتماعی

منبع: مردعلی، ۱۳۹۱

و رشد زاغه‌ها در رأس تهدیدهای توسعه پایدار برای شهرها هستند. پروژه‌های عظیمی که برای بین‌المللی کردن اعمال شده‌اند، به اسکان مجدد اجباری صدها هزار ساکن شهری (مؤسسات تجاری کوچک) در مکان‌هایی غیر از اجتماع‌های اصلی شان در شهرها منجر شده و همین‌طور ساکنان حومه‌های شهری را از روستاها و زمین‌های کشاورزی شان دور کرده است؛ هرچند در ابتدا کلان‌شهرها مخلوق فرایند شهرنشینی‌اند که منبث از رشد اقتصادی و تا حدودی سیاست‌های دولتی است (Eagleton-Pierce & Knafo, 2020: 764؛ ظاهری، ۱۳۸۷: ۱۸۲).

ارتباطات داخل مناطق کلان‌شهری نیز به شدت از تحولات نهادی کلان در ساختارهای حکومت‌های ملی تأثیر گرفته‌اند و گرایش به تمرکززدایی و آزادسازی (عاملی، ۱۳۸۲: ۸۴)، توسعه اقتصادی و اجتماعی (و به تبع آن توسعه فضایی) گسترده‌ای را برای مناطق کلان‌شهری به بار آورده است که در نتیجه آن، مناطق کلان‌شهر کمتر به تصمیمات سطح بالاتر حکومتی وابسته‌اند. افزایش سهم درآمدهای مالیاتی محلی و کاهش بودجه‌های مرکزی، شهرداری‌ها را به پیگیری استراتژی‌هایی برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های محلی واداشت. تمرکززدایی مالی پاسخگویی شهرداری‌ها را افزایش داده است (سامتی و همکاران، ۱۳۸۶). هرچه برنامه‌های سیاسی و انتظارات سیاسی شهرها مبتنی بر خواسته‌های رأی‌دهندگان شکل می‌گیرد، نیاز به پاسخگویی نیز افزایش می‌یابد. به‌طور سنتی سیاستمداران شهری برای هزینه‌کردهای اجتماعی انتخاب می‌شدند که به‌وسیله حکومت‌های ملی بازپرداخت می‌شد (Bianchi, 2018: 89). این مسئله می‌تواند تأخیر در پاسخ به بحران‌های شهری کشورهای با وابستگی بالا به حکومت‌های مرکزی را

کاستنز، یکی از بهترین نظریه‌های شهری در قالب اقتصاد سیاسی فضا را ارائه کرده است. او برای پدیده شهری شدن در جوامع پیرامونی چند ویژگی ذکر می‌کند:

- تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در یک یا چند منطقه شهری بدون ادغام در یک شبکه شهری؛
- فقدان یک طیف در سلسله‌مراتب شهری؛
- فواصل فرهنگی - اجتماعی بین اجتماعات روستایی و مناطق شهری (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵).

برخی از صاحب‌نظران دیگر از جمله ریچارد مویر مهم‌ترین وجه اقتصاد سیاسی فضا را در استفاده از زمین‌های شهری می‌دانند و معتقدند کلان‌شهرهای جهان سوم، روند جهانی شدن به تشدید منازعات برای استفاده از زمین شهری منجر می‌شود. این امر برای نخبگان به‌منزله افزایش فرصت و انگیزه برای گسترش عرصه فعالیت‌هایشان است (Williams, 2022)؛ اما برای گروه‌های دیگر، گسترش مناطق مسکونی و تجاری ثروتمند، موجب فشار برای بیرون‌راندن آنها از محله‌ها و مناطق کاری‌شان می‌شود (Vincent et al, 2020).

هنگامی که افراد محروم جامعه شهری برای دفاع از محله‌هایشان به راه می‌افتند (بیوک و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۵)، سازمان‌هایی بسیار منسجم محلی، تشکیل و روند محلی شدن تقویت می‌شود. براساس این، فضای شهری به سبب کمیابی زمین و امتیازهای ناشی از موقعیت و تجهیزات، فضایی گران‌بها به حساب می‌آید. در مناطق کلان‌شهری در حال رشد، تأثیرات رشد اقتصادی و تمرکزهای جمعیتی، فشارهای زیادی بر تمامی جنبه‌های زندگی شهری وارد کرده است (حمیدی و سرفرازی، ۱۳۹۹: ۴). تباهی محیط زیست، ازدحام ترافیکی، کمبود مسکن

در تحقیق «مداقه‌ای آسیب‌شناسانه بر سازمان‌یابی فضایی و مدیریت کلان‌شهر تهران منطبق بر رهیافت‌ها و رهنمودهای منبعث از آرمان مدیریت یکپارچه در کشور»، کلان‌شهر تهران، وارث سیاست‌های تمرکزگرای یک نظام بسیط متمرکز نفتی مطرح شده است که تفرق‌های عملکردی، قوانین، تکثر منافع، اجتماعی، سیاسی، کالبدی و فضایی و اکولوژیک دارد (امانپور و سجادیان، ۱۳۹۶).

اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران، اساس برنامه‌ریزی، برقراری تعادل در نظام اجتماعی و از حیث جغرافیایی، متوازن و همگن کردن واحدهای سرزمینی است (حسن افراخته و پور، ۱۳۹۵: ۹۰-۸۹).

در مقاله «سوداگری شهری و واگرایی فضایی تحلیل تحولات فضایی کلان‌شهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت»، مؤلفه‌های فضایی منبعث از نظام سرمایه‌داری از جمله سوداگری در تولید فضا و به دنبال آن جدایی‌گزینی‌های فضایی در کلان‌شهر تهران مطالعه شده‌اند (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

در مقاله‌ای با عنوان «برهم‌کنش فرایندهای تاریخی و اقتصاد سیاسی شهر»، اقتصاد سیاسی شهر به دنبال بررسی رابطه این تحولات تاریخی با فرایندها و ساختارهای تبعی آن در فضای شهری است (احمدی‌پور و لشگری، ۱۳۹۱).

در مقاله‌ای با عنوان «تحولات شهری دوحه: بررسی تأثیر تحولات اقتصادی بر ساختار شهر»، نقش ویژگی اقتصادی و سیاسی در اقتصاد نفتی در تولید فضا (با تأکید بر نظریه لوفور)، بررسی شده است و تحولات کالبدی فضایی شهر در ارتباط با ویژگی‌های اقتصاد کلان کشور مطالعه شده‌اند (Wiedmann & et al, 2012).

نیز در مقاله خود، نقش اقتصاد سیاسی در ساختار فضایی تهران و پیرامون، شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت و اقتصاد رانتی «اقتصاد رانتی» و به دنبال آن «دولت رانتی» را برای ایران قابل تبیین دانستند (مهدوی وفا و همکاران، ۱۳۸۸).

اقتصاد سیاسی حریم

اقتصاد سیاسی فضا، ریشه موضوعات و علل پیدایی سکونتگاه‌های انسانی را بررسی می‌کند و بر ابعاد سیاسی و بنیادی نظام‌های استقرار جمعیت و فعالیت معطوف می‌شود. این دیدگاه فرم را تابعی از ساختار قدرت و سیاست اقتصادی و

نمایان کند. تمرکززدایی‌های اخیر مسئولیت‌های مالی، اصولی از تعادل در پاسخگویی و مسئولیت انتخاباتی را ایجاد کرده‌اند (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۰). همچنین گرایش به کارآفرینی را توسط عواملان محلی خصوصی و عمومی ایجاد کرده‌اند. در سیستم‌های متمرکز پیشین، علاوه بر شهرداری‌ها، بسیاری از تولیدکنندگان محلی تسهیلات عمومی نظیر مدارس، اتحادیه‌های مسکن، بیمارستان‌ها، بنگاه‌های حمل‌ونقل عمومی نیز به ترتیبات ملی وابسته بودند. تحولات نهادی اخیر تا حدودی پویایی و کارایی بالایی را در این بنگاه‌های غیرانتفاعی ایجاد کرده‌اند و تجارب نوینی از کارآفرینی این بنگاه‌های خصوصی فعال در بخش عمومی به دست آمده است؛ البته گرایشاتی نیز در ارتباط با دستیابی هم‌زمان به اهداف تجاری و اجتماعی به دست آمده‌اند که نتیجه این افزایش، پاسخگویی‌های بخش‌های عمومی و خصوصی محلی و افزایش شدید رقابت محلی است. درنهایت، تحولات نهادی بازیگران و عواملان جدیدی را به نواحی کلان‌شهری وارد کرده است. گرایش به خصوصی‌سازی بنگاه‌های خصوصی را به حوزه عمومی وارد کرده است. با اقدامات تمرکززدایی و خصوصی‌سازی حکومت‌ها، فرایندهای بازاری در بخش خصوصی بر عرصه نوینی یعنی شهرها رهبری می‌کنند (مردعلی، ۱۳۹۱).

در پی تحولات اقتصاد سیاسی، روند تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در کشور بر کالبد شهرها و تحولات فضایی نیز تأثیرات بسیاری داشته است. نتیجه تمام این تحولات بی‌تعادلی و دوگانگی فضایی، اجتماعی و جدایی‌گزینی در کلان‌شهرها است. رانت تورم‌زا، تحولات در زمین و مسکن، تأثیرپذیری قوانین و مقررات، سوداگری زمین و ... از جمله عوامل مؤثر در این ناموزونی فضایی و کالبدی به‌خصوص بیشتر کلان‌شهرهای ایران هستند (سرور، ۱۳۹۵).

پژوهش‌های متعددی در زمینه اقتصاد سیاسی و سازمان‌یابی شهرها صورت گرفته است؛ از جمله مقاله تبیین بازتاب اقتصاد رانتی بر سازمان فضایی کلان‌شهرها با استفاده از تکنیک دیمتل معیارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی - نهادی، کالبدی و زیست‌محیطی را عاملی برای رانت و تغییر سازمان فضایی منطقه ۱ تهران می‌دانند (سعیدی فرد، ۱۳۹۷).

در مقاله «اکاوی عوامل مؤثر بر افزایش رانت زمین شهری در منطقه یک کلان‌شهر تهران» با تکنیک دیمتل مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر رانت زمین در شهر تهران بررسی شده‌اند (جهانشاهلو و ذبیحی، ۱۳۹۸)

مسئله‌ای است که بسترهای رشد و توسعه متوازن را ناکارآمد می‌کند؛ در کنار آن، رویکرد فن‌سالارانه و بوروکراسی گسترده با نگاه جزیره‌ای - بخشی زمینه‌ساز تداوم مشکلات شده است و برون‌رفت از وضعیت را باهدف پیاده‌سازی حکمروایی خوب شهری دچار چالش می‌کند و حتی در مواردی این سیستم ناکارآمد به بازتولید خویش می‌پردازد؛ تا حدی که اقدامات موردی و محلی را از اثربخشی لازم می‌اندازد (سرور، ۱۴۰۰).

در این رویکرد حریم و پهنه‌های پیراشهری نمادی از ناکارآمدی مدیریت شهری - منطقه‌ای در فائق‌آمدن بر مسئله روند رو به تزاید شهرنشینی و هجوم به حاشیه و زمین‌خواری محسوب می‌شود. در عین حال، حریم کانون فرصت‌هایی قلمداد می‌شود که به مرور زمان در اختیار سکنه قرار می‌گیرد؛ سکنه‌ای که زمانی سکونت غیررسمی اختیار کرده بودند، بعد از نزدیک به دو دهه می‌توانند شاهد بهبود وضعیت خویش و امیدوار به این واقعیت باشند که نسل بعدی به موقعیتی بسیار فراتر از نسل اول دست خواهد یافت (عنابستانی، ۱۳۹۱). رسمی‌شدن، دسترسی به خدمات شهر مادر، امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصاد غیررسمی، فرصت‌های شغلی سطح پایین، امکان تحصیل فرزندان، بخشی از فرصت‌هایی‌اند که در چنین فضاهایی یافت می‌شوند که البته امیدی به یک درصد آن نیز در مناطق روستایی (محل سکونت قبلی همین ساکنان) نمی‌توانست وجود داشته باشد (بابکان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰).

بنابراین، ما در حریم شهرها با تمایل روزافزون به شهری‌شدن به مفهوم بهره‌گیری از خدمات سطح برتر شهری روبه‌رو هستیم و شهری‌شدن امتیازات و منافع اقتصادی از جمله افزایش میزان تراکم‌ها، تنوع در ایجاد کاربری‌ها و ارزش افزوده بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها را به همراه دارد. بخش دیگری از ترغیب به شهری‌شدن به رقابت بین شهرداری‌ها در افزایش محدوده خدماتی آنها با هدف کسب درآمد ارتباط دارد (سراقی و همکاران، ۱۳۸۸).

به‌طور خلاصه از منظر اقتصاد سیاسی، حریم مناطق کلان‌شهری، با توجه به بارگذاری جمعیتی و امکان نفوذ محدود در اراضی (فضاهای) باز، در معرض اشباع فرصت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی قرار دارد و بدون برنامه جامع و تکمیل نقش کنترلی و نظارتی نمی‌توان بارگذاری بیشتری در آن ایجاد کرد. هر نوع مداخله بیشتر به معنای تصرف اراضی کشاورزی یا بارگذاری کاربری‌ها در فضاهای باز و عمدتاً برخوردار از ریسک و معارض با منابع طبیعی است.

نظام توزیع قدرت و مبنای آن می‌داند و در این بین، زمینه‌های شکل‌گیری کلان‌شهرها و نیروهای اثرگذار در پخشایش فعالیت‌ها، مکان‌گزینی‌ها، توزیع ثروت و قدرت، نابرابری‌های فضایی - اقتصادی، فرایند شکل‌گیری مراکز سکونتی پیرامونی و نظایر آنها زمینه‌های بسیار خوبی برای مطالعه و تحلیل از منظر اقتصاد سیاسی فضا به شمار می‌روند (محملی ایبانه، ۱۳۹۰).

نواحی کلان‌شهری تبلور سازمان فضایی با پیوندهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در بستر محیط جغرافیایی و در چارچوب روابط متقابل انسان و محیط شکل یافته‌اند (مهدوی وفا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲). تعداد کلان‌شهرها، نمودی از تمرکز فوق‌العاده جمعیت در فضاهای معین در کشورهای درحال توسعه است که عموماً به رقابت‌های نابرابر اقتصادی در فضا نسبت داده شده است. به عبارتی، وجود فضاهای تجهیزشده در نقاطی محدود و به‌طور عمده در مرکز این کشورها، گرایش به تمرکز سرمایه، فعالیت و جمعیت را در قطب‌های معینی تشدید کرده است؛ بنابراین، ساخت و کارکرد نظام اقتصادی - اجتماعی در نظام‌های مختلف سیاسی حاکم در جهان بازتاب فضایی متفاوتی را بروز می‌دهد؛ از این‌رو، برای ریشه‌یابی تحولات ساختار فضایی کلان‌شهرها و پیرامون آنها تحلیل ساخت و کارکرد نظام‌های اقتصادی - اجتماعی حاکم بر آنها ضرورت می‌یابد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷).

تمرکز در کلان‌شهرها نمادی از تمرکز در نظام مدیریت و تخصیص و به نوعی برهم‌نهاد تمرکز سیاسی با تمرکز اقتصادی است (Alesina & et al, 2006) و زمینه‌ساز قطبش در فضا شده است. از رهگذر سوداگری زمین و مستغلات در سایه یک اقتصاد رانتیر موجبات تمرکزهای بسیار گسترده و سپس پراکنده‌رویی در نظام استقرار کانون‌های جمعیت و فعالیت را سبب شده‌اند. تمایل به شهری‌شدن، از منظر اقتصاد سیاسی حریم ناشی از تفاوت در سطح خدمات‌رسانی به سکونتگاه‌های واقع در حریم و سکونتگاه‌های شهری است. حریم در چنین ساختاری فضای فرصت و سوداگری زمین و نیز فضایی برای رشد‌های ناخواسته با هدف بهره‌گیری هرچه بیشتر از فرصت‌هایی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم شهر مرکزی در اختیار آنها قرار می‌دهد و ضمن پشتیبانی و ایجاد انگیزه برای چنین گسترش‌هایی، به مرور اسیر فشارها و نابسامانی‌هایی می‌شود که از ناحیه همین اسکان‌های خودانگیخته بر شهر مرکزی وارد می‌شود. دوگانگی فضایی از نظر سطح رشد و رفاه

است؛ به گونه‌ای که حجم نمونه مورد نیاز در مدل‌سازی مسیری روش حداقل مربعات جزئی به‌طور چشمگیری کوچک‌تر از روش معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس است.

با توجه به قاعده مدل حداقل مربعات جزئی حجم نمونه برابر با ۲۰۰ نفر است.

در این پژوهش و به‌منظور تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با روش حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شده است. در این مدل داده‌ها در دو قسمت کلی بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شوند:

بررسی برازش مدل

روش حداقل مربعات جزئی برای ارزیابی برازش مدل‌ها، دو قسمت کلی را زیر پوشش قرار می‌دهد:

الف) بخش مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری

در این بخش از ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای سنجش پایایی و از ضرایب میانگین واریانس استخراجی سازه‌ها، ماتریس بارهای عاملی متقابل و روش فورنل و لارکر برای سنجش روایی استفاده می‌شود.

ب) بخش ساختاری

در بخش ساختاری نیز از روش‌های زیر برای بررسی برازش مدل‌های ساختاری استفاده شده است:

ضرایب معناداری t (مقادیر t_values)

معیار R^2 یا $R\ Squares$.

از منظر اقتصاد سیاسی حریم مناطق کلان‌شهری کشور بخشی از حاشیه‌نشینی شهری در درون حریم امکان بروز و اتفاق دارد. این رویداد از جنبه حقوقی از زمینه مساعدی برخوردار است و نیز از لحاظ اقتصادی، تفاوت ارزش زمین و مسکن و نرخ اجاره با توجه به کیفیت سکونت و ابنیه و سایر کاربری‌ها زمینه کافی و مناسب دارد؛ بنابراین، حاشیه‌نشینی به یک امر اقتصادی تبدیل می‌شود. با توجه به این زمینه‌ها و با استفاده از خلأهای قانونی و تعارضات حقوقی موجود شاهد رشد حاشیه‌نشینی در اطراف کلان‌شهرها و تداوم سوداگری زمین و مسکن به‌عنوان موتور محرکه تداوم وضعیت یاد می‌شود که تا حدودی ریشه در استفاده‌نکردن از ظرفیت‌های نهادی - قانونی در اصلاح و بهبود نظام مدیریت منطقه کلان‌شهری و همچنین استفاده‌نکردن از ظرفیت‌های اقتصادی نهفته در این قبیل مناطق از رهگذر جهانی‌شدن اقتصاد و خدمات دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نظر نوع کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی است که جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت اسنادی - میدانی (پیمایشی) صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران شهری، نخبگان دانشگاهی در ارتباط با حوزه برنامه‌ریزی، اقتصاد و مدیریت شهری است. در خصوص تعیین حجم نمونه از قواعد خاص روش حداقل مربعات جزئی (مدل استفاده‌شده در این تحقیق) پیروی شده

جدول ۲- مؤلفه‌های سنجش اقتصاد سیاسی در مدیریت یکپارچه حریم منطقه شهری تهران

مؤلفه	شاخص
سیاست‌گذاری	<ul style="list-style-type: none"> • فقدان ارتباط ارگانیک بین سیاست‌های مصوب طرح‌های فرادست با نحوه برنامه‌های اجرایی حریم • ضعف در نظام داده و اطلاعات ملاک عمل سیاست‌گذاری تا اجرا در مدیریت حریم • ضعف مدیریتی در سطوح مختلف سیاست‌گذاری حریم • ضعف ساختاری رشته‌های اصلی ذی‌مدخل در نظام مدیریتی شهر تهران با حریم آن • تفرق مدیریت فردگرا در برابر مدیریتی گروهی و کارا در ساختار و سیاست‌گذاری‌های حریم با شهر تهران • ضعف برنامه‌های مدیریتی تهیه‌شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه مناطق دخیل در حریم تهران • سنتی بودن نظام مدیریت و سیاست‌گذاری در صیانت از حریم پایتخت • بخشی بودن نظام مدیریت و سیاست‌گذاری در حریم پایتخت • عدم تعریف سازوکارهای تحقق بخش رویکرد سیاست‌گذاری مسئله‌محور

<ul style="list-style-type: none"> • تعارض منافع بین بازیگران و سیاست‌گذاران پهنه حریم • تلقی حریم به‌عنوان پهنه حیاط‌خلوت و تسری تقلیل شأنیت اقتصادی مکان • تنوع شرایط اقتصادی - اجتماعی حاکم بر پهنه‌های مختلف حریم • درآمدزایی بدون صدور مجوز استقرار فعالیت در پهنه حریم • مسئله فقر و پایین‌بودن سطح سنجه‌های توسعه • مشخص نبودن هزینه و منافع استقرار فعالیت در پهنه حریم • نگاه سودجویانه بخش‌های دولتی به حریم پایتخت • ضعف بنیان‌های تحلیلی در تعیین نوع فعالیت‌های بهره‌ور در پهنه حریم • زمین‌خواری و تصرف اراضی حریم به‌واسطه زمین به‌عنوان عامل ثروت • مشخص نبودن ارزش اقتصادی صیانت از حریم در مقابل صدور مجوز استقرار فعالیت 	اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> • تنوع و تفرق در شأنیت‌های مکانی - فضایی در پهنه‌های مختلف حریم • تنوع در ظرفیت‌های طبیعی پهنه‌های شمالی - جنوبی حریم • تنوع در وضعیت زیرساخت‌ها برای تحقق راهبرد صیانت و توسعه • تفرق‌های کالبدی با ناشناخته‌بودن ظرفیت‌های مدیریت در توسعه متوازن حریم • ضعف بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری در حریم پایتخت • ارجحیت تأمین مسکن در اراضی حریم نزد سیاست‌گذاران • ساخت‌وساز غیراصولی و غیراستاندارد در حریم • نبود یک دستورالعمل سیاستی مشخص و قابل اتکا برای مدیریت کالبدی حریم • اهمال و اغلب نادیده‌گرفته شدن تصرف و ساخت‌وساز غیررسمی از سوی نهادهای متولی 	کالبدی
<ul style="list-style-type: none"> • تنوع رویکرد سازمان‌های ذی‌مدخل حریم • تفرق‌های داده‌ای و اطلاعاتی تصمیم‌گیری و مدیریتی دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌مدخلان • تفرق مدیریتی بین نهادهای حاکمیتی با نهادهای محلی و عمومی در حریم • تفرق ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در حریم • تفرق نهادهای محلی در فرایند تقسیم قدرت شهری در حریم • مدیریت رانتیر به‌عنوان مؤلفه اصلی در نهادینه‌نشدن رویکرد صیانت در حریم • ضعف مدیریت حل مسئله و عملگرا • ضعف ساختارهای شبکه‌ای (عمودی و افقی) در سیاست‌گذاری حریم • عدم توافق بین وزارت راه و شهرسازی و شهرداری و وزارت کشور در سیاست‌گذاری یکپارچه حریم • ضعف اعتماد درون‌نهادی در حریم • ضعف مشارکت درون‌نهادی در حریم • ضعف آگاهی و اطلاع‌رسانی بین نهادی در حریم • ضعف انسجام و توان جمعی نهادی در حریم • ظرفیت پایین نظام بوروکراسی در صیانت و برپایی مدیریت یکپارچه حریم 	مدیریتی

منبع: یافته‌های تحقیق

اجتماعی و فرهنگی است. این تمرکزگرایی سبب تمرکز فعالیت‌ها در حوزه‌های مذکور و ایجاد فرصت‌های شغلی متنوع و متعدد شده و جمعیت زیادی را از سراسر کشور به این کلان‌شهر جذب کرده است. نتیجه چنین رویدادی شکل‌گیری شهری است که به‌عنوان قطب رشد جمعیت کشور، یک‌چهارم جمعیت شهرنشین را در خود جای داده است.

منطقه کلان‌شهری تهران با مبنا قراردادن حریم ۶۰۰۰ کیلومترمربعی آن، عرصه استقرار حدود ۲۳ شهر، ۲۳۷ روستای دارای سکنه و صدها کانون فعالیتی است که در مجموع حدود

شدت روابط نهایی از عناصر نیز از طریق طیف لیکرت طبق نظر خبرگان امتیازدهی شد که در آخر، معیارهای تأثیرگذار (تأثیر مستقیم بر سایر معیارها) و شدت معیارهای تأثیرگذار (مجموع اثرگذاری و اثرپذیری هر معیار تأثیرپذیر) نشان داده شده‌اند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

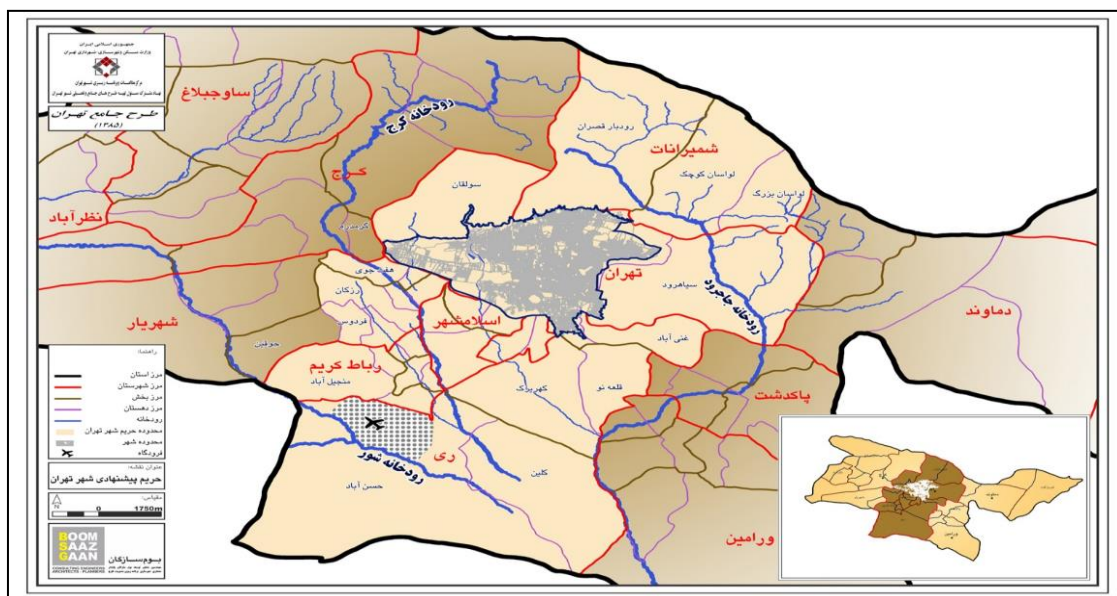
شهر تهران از جمله مراکز و کانون‌های اخذ تصمیمات کلان و بعضاً خرد در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی،

شهرستان ری است. در نهایت، از منتهی‌الیه جنوب شرق به شمال شرق به ترتیب منطبق بر حد شرقی شهرستان ری، حد جنوب شرقی و شرقی شهرستان تهران و حد شرقی شهرستان شمیرانات است.

این پهنه به موازات تبعیت از شرایط ملی، همچنان مسیر خود را در جذب مهاجران، رشد جمعیت و تداوم گسترش فضایی سکونت‌های رسمی و غیررسمی طی می‌کند یا حداقل تا ۲۰ سال آینده طی خواهد کرد. بررسی تحولات جمعیتی حکایت از تقلیل رشد شهر تهران در قیاس با رشد جمعیت و کانون‌های فعالیتی در پهنه وسیع پیرامونی آن دارد که به نوعی تقویت تدریجی زمینه‌های تراکم‌زدایی مدیریتی - تصمیم‌گیری باشد حرکت به سمت تمرکززدایی مدیریتی - تصمیم‌گیری باشد (سرور، ۱۳۹۲).

۱۴ میلیون نفر انسان را در برمی‌گیرد.

حریم تهران عرصه‌ای به وسعت تقریبی ۶۰۰۰ کیلومترمربع شامل شهرستان‌های کنونی تهران، ری، شمیرانات، اسلام‌شهر و رباط‌کریم و بخش‌های قدس و مرکزی از شهرستان شهریار به‌استثنای دهستان جوقین است که در محدوده شمالی از منتهی‌الیه شمال شرق به سمت شمال غرب، منطبق بر حد شمالی شهرستان شمیرانات است. از منتهی‌الیه شمال غرب به جنوب غرب به ترتیب منطبق بر حد غربی شهرستان شمیرانات، حد شمال غربی و غربی شهرستان تهران، حد شمال غربی و غربی بخش قدس، حد غربی بخش مرکزی و حد شرقی دهستان جوقین از شهرستان شهریار، حد شمال غربی و جنوب غربی شهرستان رباط‌کریم و حد غربی شهرستان ری است. از منتهی‌الیه جنوب غرب به جنوب شرق، منطبق بر حد جنوبی

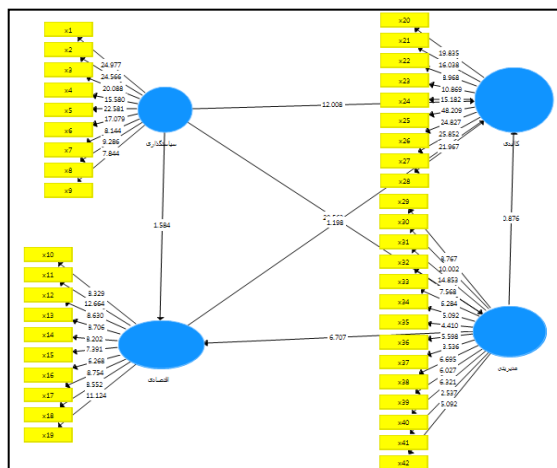


شکل ۱- موقعیت حریم تهران

منبع: مرکز مطالعات شهرداری تهران

جدول ۳- تحول سهم جمعیتی تهران از جمعیت استان تهران براساس آمار سرشماری

نسبت جمعیت شهر تهران به استان	نسبت جمعیت شهر تهران به جمعیت کل کشور	نسبت جمعیت استان به کل کشور	جمعیت شهر تهران	جمعیت کل استان تهران		جمعیت کل کشور	مقطع زمانی
				بدون شهر تهران	جمعیت کل استان		
۷۸	۱۰/۵	۱۳/۴	۲۷۰۰۰۰	۷۵۶۰۰۰	۳۴۵۶۰۰۰	۲۵۷۸۸۷۲۲	۱۳۴۵
۸۵	۱۳/۴	۱۵/۸	۴۵۰۰۰۰	۸۳۲۰۰۰	۵۳۳۲۰۰۰	۳۳۴۰۸۷۴۴	۱۳۵۵
۷۴	۱۲/۱	۱۶/۴	۶۰۰۰۰۰	۲۱۰۸۰۰۰	۸۱۰۸۰۰۰	۴۹۴۴۵۰۱۰	۱۳۶۵
۶۵/۳	۱۱/۲	۱۷/۲	۶۷۵۰۰۰	۳۵۹۴۰۰۰	۱۰۳۴۴۰۰۰	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱۳۷۵
۵۷/۵	۱۰/۹۴	۱۹/۰۴	۷۷۱۱۲۳۰	۵۷۱۰۷۷۰	۱۳۴۲۲۰۰۰	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۳۸۵
۶۶/۹۲	۱۰/۸۲	۱۶/۲۱	۸۱۵۴۰۵۷	۴۰۲۹۳۴۰	۱۲۱۸۳۳۹۱	۷۵۱۴۹۵۶۹	۱۳۹۰
۶۵/۵۳	۱۰/۸۸	۱۶/۶۰	۸۶۹۳۷۰۶	۴۵۷۳۹۳۱	۱۳۲۶۷۶۳۷	۷۹۹۲۶۲۷۰	۱۳۹۵



شکل ۲- اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته (ضرایب استاندارد شده)

همچنین با توجه به مقدار ضرایب بتا که نشان‌دهنده شدت تأثیرگذاری هریک از مؤلفه‌ها در مدیریت یکپارچه حریم است، به این شکل می‌توان وارد بحث شد که مهم‌ترین مؤلفه‌ها به ترتیب مقدار بتا، مؤلفه سیاست‌گذاری (۰/۸۴)، نهادی (۰/۷۶۶)، کالبدی (۰/۱۲۸) و اقتصادی (۰/۰۲۸) هستند. با توجه به اینکه غالب شدن نگرش حاکمیتی و درآمدزایی به حریم تهران وجود دارد، مدیریت شهرداری کلان‌شهر تهران با نگرش حاکمیتی به حریم و نگرش درآمدزایی مواجه است که شهرداری‌ها و دهیاری‌های تازه تأسیس به حریم دارند. از این منظر مؤلفه‌های نهادی و سیاست‌گذاری در تهران باید تقویت مهم شماره شود.

ج) آزمون کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری: یکی دیگر از آزمون‌های ارزیابی مدل اندازه‌گیری انعکاسی، آزمون بررسی کیفیت آن است که اعتبار اشتراک استفاده می‌شود. چنانچه مقدار $1-SSE/SSO$ مثبت باشد، کیفیت ابزار اندازه‌گیری مناسب است. این شاخص در واقع توانایی مدل مسیر را در پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر از طریق متغیر پنهان متناظرشان می‌سنجد. با توجه به خروجی الگوریتم PLS ارائه شده در جدول ۶ که مقادیر مثبتی را نشان می‌دهند، گفتنی است مقادیر محاسبه شده در حد بالایی پذیرفتنی‌اند؛ در نتیجه، مدل اندازه‌گیری از کیفیت خوبی برخوردار بوده است و توانایی پیش‌بینی را دارد.

در این قسمت از پژوهش از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شده است که در ادامه آنها را شرح می‌دهیم. الف) آزمون پایایی و روایی مدل‌های اندازه‌گیری: در روش حداقل مربعات جزئی (PLS) باید پایایی متغیرها محاسبه شود. ضریب سنتی برای بررسی پایایی متغیرها ضریب آلفای کرونباخ است؛ اما چون این ضریب کمی سختگیرانه است، در تحقیقاتی که از معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس استفاده می‌کنند، می‌توان از ضریب ترکیبی نیز استفاده کرد. تفاوتی ندارد که از کدام ضریب استفاده می‌شود، در هر صورت مقدار پذیرفتنی برای این دو ضریب حداقل ۰/۷ است. در این تحقیق هر دو ضریب آلفای کرونباخ و ضریب ترکیبی برای بررسی پایایی متغیرها بررسی می‌شوند (جدول ۴).

جدول ۴- خروجی الگوریتم PLS در آزمون پایایی مدل‌های اندازه‌گیری

مؤلفه‌ها	ضریب ترکیبی	آلفای کرونباخ
اقتصادی	۰/۶۲۵	۰/۴۲۱
سیاست‌گذاری	۰/۹۴۵	۷۴۹
کالبدی	۰/۹۳۳	۰/۷۵۶
مدیریتی	۰/۹۵۶	۰/۸۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

در این بخش از پژوهش، ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوط به فرضیه‌ها بررسی می‌شوند (اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته). برای محاسبه ضرایب استاندارد مسیر بین متغیرها باید از الگوریتم بی‌الاس استفاده کرد. ضرایب استاندارد شده بین متغیر مستقل و وابسته نشان می‌دهند متغیر مستقل این میزان درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. شکل ۲ ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوط به هریک از فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.

در جدول ۵، نتیجه اثرگذاری متغیرهای تحقیق ارائه شده است. گفتنی است روابطی تأیید می‌شوند که در آن مقدار کمتر از ۰/۰۵ باشند و روابطی تأیید نمی‌شوند که مقدار p آنها بیشتر از ۰/۰۵ باشند. با توجه به جدول مربوطه نتیجه می‌گیریم مؤلفه‌های سیاست‌گذاری و نهادی در مدیریت یکپارچه حریم شهر تهران تأثیر دارند (متغیر کالبدی و اقتصادی به‌ترتیب با معناداری ۰/۲۳ و ۰/۷۱۹ معنادار نیستند).

جدول ۵- آزمون مدل ساختاری (ضرایب مسیر میانگین، انحراف معیار، مقادیر تی)

مؤلفه‌ها	نمونه اصلی	میانگین نمونه	انحراف معیار	آماره تی	معناداری
کالبدی -> مدیریت یکپارچه	۰/۱۲۸	۰/۱۵۶	۰/۱۰۶	۱/۲۰۸	۰/۲۳۰
سیاست‌گذاری -> مدیریت یکپارچه	۰/۸۴	۰/۸۵	۰/۰۲۷	۳۰/۶۱۳	۰/۰۰۰
نهادی -> مدیریت یکپارچه	۰/۷۶۶	۰/۷۷۴	۰/۰۳۳	۲۲/۹۴۷	۰/۰۰۰
اقتصادی -> مدیریت یکپارچه	۰/۰۲۸	-۰/۰۵۱	۰/۰۷۸	۰/۳۶۱	۰/۷۱۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۶- خروجی آزمون کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری

مؤلفه	1-SSE/SSO
مؤلفه	1-SSE/SSO
اقتصادی	۰/۱۴۹

آینده این مجموعه، به ظرفیت‌سازی برای پذیرش نیروهای جدید در سازمان مدیریتی منطقه از طریق استناد به آموزه‌های رویکرد حکمروایی شهری و تقویت حس اعتماد و تشریک‌مساعی بین همه این کنشگران نیازمند است.

موضوع حریم، موضوع شهرداری یا استانداری نیست؛ بلکه وجود و حفظ ارزش‌های زیستی آن، اساس زندگی نسل کنونی و نسل‌های آینده است. تهران به کمال ظرفیت خویش در این مدت رسیده است و انتقال خواسته و ناخواسته بخشی از کاربری‌ها به پهنه حریم مسئله‌ای است که نمی‌تواند در غیاب مدیریت یکپارچه و سندی راهبردی عملی شود؛ سندی که تمامی ذی‌مدخلان باید روی آن به توافق رسیده باشند و مبنایی برای فرانگری و دوری‌کردن از نگاه‌های تنگ بخشی‌نگری باشد؛ زیرا بخش مهمی از چالش‌های کنونی شهر تهران و حریم آن نتیجه اعمال رویکردهای بخشی در طول این ۵۰ سال اخیر بوده است و قطعاً این نوع نگاه نمی‌تواند متضمن صیانت و توسعه فراگیر آن در ابعاد مختلف فضایی، زیرساختی، اجتماعی و اقتصادی باشد. حریم یک مسئله صرفاً کالبدی نیست که با یک طرح منطقه‌بندی کاربری اراضی و اعمال یکسری ضوابط و مقررات آن را کنترل کرد؛ بلکه حریم یک وجه اجتماعی و اقتصادی پیچیده است. حریم تهران محل سکونت نزدیک به ۷ میلیون نفر جمعیت است؛ کانون‌هایی که خاستگاه حاشیه‌ای داشته و به مرور در فضاها به اصطلاح رسمی شهری ادغام شده‌اند. حریم پایتخت تاکنون محلی برای دست‌اندازی زمین‌خواران و هجوم فقرا و حتی برخی از سازمان‌های رسمی در قالب تعاونی‌ها بوده است که بدون کمترین هماهنگی زمینه‌های تفرق فضایی - اجتماعی را در آن رقم زده‌اند و قطعاً چنین نگاهی نمی‌تواند تداوم داشته باشد و اگر به فرض تداوم

(د) مدل کلی آزمون ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی: در مدل‌سازی حداقل مربعات جزئی، شاخصی به نام نیکویی برازش (GOF) پیشنهاد شده است. این شاخص هر دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را مدنظر قرار می‌دهد و به‌عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی مدل به کار می‌رود.

حدود این شاخص بین صفر و یک بوده و سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۳۴ و ۰/۲۸ را به ترتیب به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی کرده است. متوسط مقادیر اشتراکی GOF، ۰/۶۰۵ و میانگین R^2 برابر با ۰/۷۰۹ است؛ درنهایت، شاخص GOF این مدل، مقدار ۰/۶۲۷ به دست آمده است که از مطلوبیت کلی مدل حکایت دارد.

نتیجه‌گیری

منطقه کلان‌شهری تهران فاقد یک سیستم متمایز، تعریف‌شده و رسمی مدیریت فضایی است؛ با این حال، اداره امور این سیستم، با اتکا به ساختارها و روش‌های رایج و ملاک عمل مدیریت شهری و روستایی در حال انجام و گذران است.

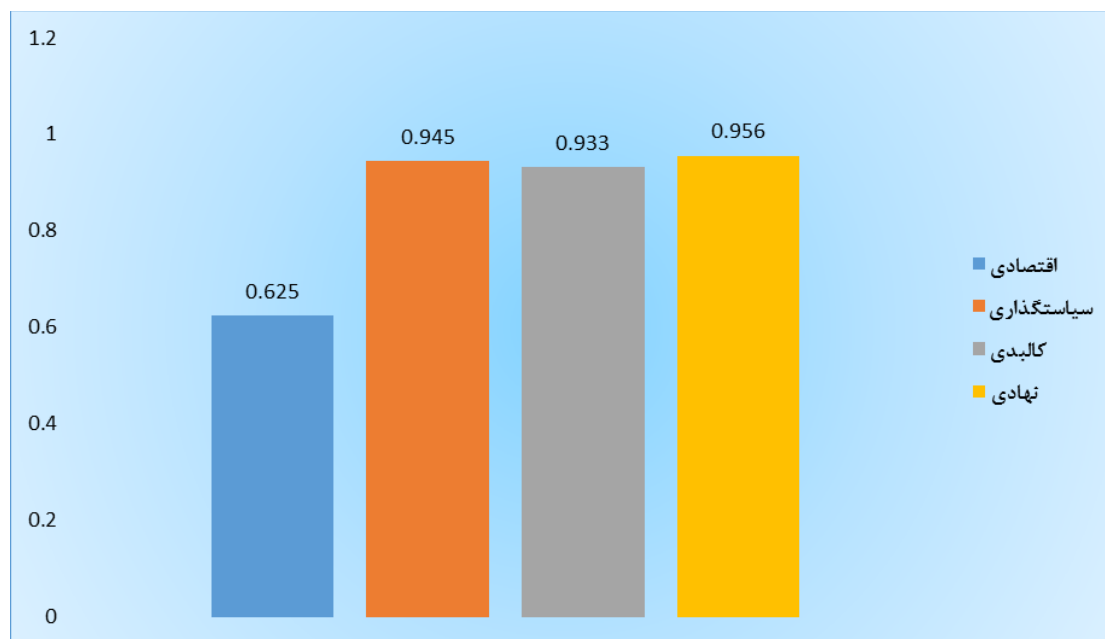
تشتت و تفرق ساختار فضایی در منطقه کلان‌شهری تهران را می‌توان نتیجه غلبه رسمی نهادهای قدرتمند و ناهمسویی نهادهای غیررسمی با سیاست‌ها و برنامه‌های آنها دانست. تقابل و ناهمسویی مذکور، زمینه‌ساز واگرایی عناصر اصلی ساخت‌وساز - بخش خصوصی و مردمی - و در نتیجه تفرق در ساختار فضایی - کالبدی منطقه کلان‌شهری تهران شده است.

تحولات دو دهه اخیر در سطح منطقه کلان‌شهری تهران به ارتقای عملی جایگاه، قدرت بالقوه و نفوذ بالفعل بخش‌های غیردولتی در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فضایی این منطقه منجر شده است. پایداری و انسان‌محوربودن توسعه

مسائل اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن در همین میزان‌های کنونی کم‌وبیش تداوم خواهند یافت. هرچند گرایش شهرنشینی و روندهای مهاجرتی در کنار اجرای برخی از پیشنهادها راهبردی طرح حریم پایتخت در کنار حساس‌شدن مدیریت استان و شهر تهران به معضلات حریم، احتمال اندکی کاهش در ابعاد آن را نشان می‌دهد؛ البته این گزاره به معنی بی‌تفاوتی مدیریت نیست و به عبارتی دیگر این گفته دلیلی محکم بر جدی‌گرفتن و تلاش شبانه‌روزی مدیریت‌های سطوح مختلف در پرداختن به حل معضلات اجتماعی و اقتصادی و کالبدی حریم است و تنها در این صورت است که می‌توان به تحقق صیانت و توسعه پایدار حریم امیدوار بود.

نتایج نشان می‌دهند چهار مؤلفه اقتصادی، کالبدی، سیاست‌گذاری، نهادی، اقتصاد سیاسی حریم پایتخت را ۸۶/۴۸ درصد تبیین می‌کنند که در بین مؤلفه‌های پژوهش، بیشترین تأثیرگذاری بر مدیریت یکپارچه حریم مؤلفه نهادی با ضریب ۰/۹۵۶ و دومین مؤلفه سیاست‌گذاری با ضریب ۰/۹۴۵ است. مقدار آماره در مدل پژوهش برای متغیرها نشان می‌دهد از بین ۴۲ متغیری که اثرگذاری آنها بر متغیر مدیریت یکپارچه حریم بررسی شده است، متغیر تلقی حریم به‌عنوان پهنه حیاط خلوت و متغیر مشخص‌نبودن ارزش اقتصادی صیانت از حریم، بیشترین مقدار آماره را به خود اختصاص داده‌اند.

داشته باشد نیز در تضاد کامل با روند توسعه منطقه - شهری تهران و تخریب‌کننده بسترهای زیستی - تمدنی آن خواهد بود. براساس مطالعات، بیش از ۲۴ سازمان و نهاد به نوعی در پهنه حریم، سیاست‌گذاری می‌کنند و براساس آینده‌نگری‌های جمعیتی، نزدیک به یک میلیون نفر دیگر به جمعیت این پهنه تا حدود سال ۱۴۰۵ اضافه خواهد شد. این در شرایطی است که هم‌اکنون پهنه حریم با انواع چالش‌ها مواجه است که به مراتب از مشکلات شهر تهران فراتر هستند. تعرض به اراضی با قابلیت‌های زیست‌محیطی، کوه‌خواری، تقلیل شأنیت فضاهای جنوبی، گسترش اسکان‌های غیررسمی، تصرف‌های عدوانی، صدور مجوزهای موردی با نگاه جزیره‌ای بخشی از چالش‌هایی‌اند که هرگز نمی‌توان نسبت به روند آنها بی‌تفاوت ماند. واقعیات موجود در تداوم روند مهاجرت، نابرابری‌های منطقه‌ای و اقتصادی، بطئی‌بودن ماهیت نهادینه‌سازی امر توانمندسازی مدیریت و تحقق حکمروایی خوب شهری و منطقه‌ای، عدم تغییر در الگوهای توسعه اقتصاد شهری و منطقه‌ای، نهادسازی و سایر اصلاحات ساختاری در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای بیان می‌کنند در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت تا ۱۵ سال آینده مسئله تعرض به زمین‌های حریم و به اصطلاح ساخت‌وسازهای خودرو، فشار مهاجرتی به پهنه‌های پیرامونی شهرها و روستاهای حریم و



شکل ۳- ضریب ترکیبی مؤلفه‌ها اثرگذار در مدیریت یکپارچه حریم تهران

پایین زندگی و تعدد مدیریتی از جمله مواردی‌اند که کارشناسان

در عین حال، آسیب‌ها و جرائم اجتماعی به همراه کیفیت

عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی حریم، نبود یک بانک داده و اطلاعات است. تفرق اطلاعات زمینه تفرق برداشت و اعمال سلیقه‌های مختلف را از ناحیه ذی‌مدخلان مختلف فراهم کرده است؛ بنابراین، ضرورت دارد نسبت به طراحی و پیاده‌سازی یک بانک اطلاعات کامل از انواع شاخص‌های حریم اقدام شود؛ بانکی که به‌عنوان سیستم پشتیبانی مدیریت (DSS) عمل کند.

▪ تهیه برنامه ارتقای جایگاه سازمانی و اثربخشی اداره کل حریم (تبدیل آن به دبیرخانه مدیریت یکپارچه حریم منطقه کلان‌شهری تهران) و جریان‌سازی و ارتقای ثقل فضای گفتمان چالش‌ها و راهبردهای حریم در جامعه (رویکرد مشارکتی، ارتباطی و ارتقای جایگاه نظارتی و راهبردی) مورد تأکید و درخواست محافل علمی و اجرایی شرکت‌کننده در همایش است.

▪ تهیه و اجرای برنامه ظرفیت‌سنجی اجتماعی و محیطی تمامی کانون‌های روبه‌رشد روستایی و شهری موجود در پهنه حریم برای برخوردارکردن آنها از برنامه جذب جمعیت روبه‌رشد پیش‌بینی‌شده و تقویت نهادهای موجود نظیر اداره کل حریم و در کنار آن برگزاری جلسات توانمندسازی نهادهای رسمی و غیررسمی فعال در عرصه حریم به‌ویژه دهیاری‌ها، شوراهای، نهادهای مردم‌نهاد فعال در عرصه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی از جمله نکات محوری در تحقق راهبرد صیانت خواهند بود.

▪ همکاری مستمر با نهادهای مردمی به‌ویژه شورای حفظ حقوق بیت‌المال، شوراهای شهرها و روستاهای سکونتگاه‌های حریم و سازمان‌های مهم اثرگذار نظیر وزارت راه و شهرسازی، سازمان جنگل‌ها و مراتع و سازمان حفاظت محیط زیست و همچنین استفاده از ظرفیت نهادهای اطلاع‌رسان در ابلاغ پیامد روندهای کنونی، تغییر نگاه و رویه‌های مدیریتی مبتنی بر عقلانیت ارتباطی، راهبردی و ارزشی ضرورت دارد.

منابع

احمدی‌پور، زهرا و احسان لشگری (۱۳۹۱). «بر هم‌کنش فرایندهای تاریخی و اقتصاد سیاسی شهر مطالعه موردی: نظام شهری ایران پس از انقلاب مشروطه»، *فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر»*، دوره ۲۱، شماره ۸۱، ص ۱۵-۲۱.

افراخته، حسن و محمد حجی‌پور (۱۳۹۵). «اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران». *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه*

تأکید کرده‌اند. در مجموع، مسائل حریم تهران را می‌توان در محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

چالش نهادی - مدیریتی (تداخل و تزاخم فعالیت‌های بخشی)؛

چالش‌های زیست‌محیطی (تهدید فلسفه وجودی حریم به‌عنوان فضای تنفسگاهی)؛

چالش‌های اجتماعی (وقوع و عمیق‌ترشدن نابرابری‌های فضایی، اجتماعی و اقتصادی)؛

چالش اقتصاد سیاسی و بازتولید آن در پهنه حریم «تسری مسائل شهری به سطح منطقه‌ای»؛

چالش‌های کالبدی - فضایی (سکونت‌های غیررسمی، تصرف‌های غیرقانونی زمین و تغییر کاربری‌ها).

پیشنهادها

▪ با توجه به وابستگی متقابل تهران و نقاط واقع در حریم و روابط متقابل تنگاتنگ کانون‌های جمعیتی و فعالیتی، توجه به اصل عدالت و یکپارچگی در فرایند سیاست‌گذاری توسعه فضایی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی اهمیت تام دارد.

▪ با توجه به تمرکز جمعیت در بخش میانی محدوده واقع در حریم، اعمال سیاست‌گذاری یکپارچه برای کنترل جمعیت، جلوگیری از رشد مهاجرت‌ها و ممنوعیت شهرک‌سازی جدید و پهنه‌بندی غیرمسکونی اراضی ضروری به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد با توجه به تمرکز جمعیت در این محدوده، بخش مهمی از سیاست‌گذاری پهنه‌بندی فضایی حریم پایتخت در زمینه تأمین نیازهای اجتماعی و اثربخشی شاخص‌های پایداری اجتماعی در بخش میانی حریم (به‌ویژه حوزه اسلام‌شهر - رباط‌کریم) باید متمرکز شود.

▪ نگاه درآمدی به پهنه حریم، زمینه‌ساز آسیب‌های جدی در این مدت بوده است؛ در صورتی که حریم ماهیت حفاظت و فضای تنفسگاهی دارد؛ بنابراین، تغییر این برداشت از ذهنیت مدیران و سازمان‌های ذی‌ربط موضوعی است که ضرورت دارد در رابطه با آن برنامه‌های اجرایی تهیه شوند.

▪ در فرایند تهیه طرح مدیریت یکپارچه حریم، در هر ساختار سازمانی که برای حریم تهیه می‌شود، لازم است نقش تمامی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران لحاظ شود. مشارکت حداکثری زمینه‌ساز بسیار خوبی برای تحقق راهبرد صیانت و توسعه پایدار خواهد بود.

▪ یکی از خلأهای جدی در امر مدیریت و نظارت بر

سرور، رحیم (۱۳۹۲). «آینده‌نگری روند تحولات و راهبردهای مدیریت رشد سکونتگاه‌های غیررسمی در حریم پایتخت»، *پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی*، دوره ۱، شماره ۷۸۳ ص ۲۲-۱.

سرور، رحیم (۱۳۹۵). «بررسی نقش مؤلفه‌های تأثیرگذار اقتصاد سیاسی بر سازمان‌یابی فضایی شهری با تأکید بر تهران». *Paper presented at the 4th International Conference on Urban and Regional Planning, Tehran, Iran*.
[/https://civilica.com/doc/619612](https://civilica.com/doc/619612)

سرور، رحیم (۱۴۰۰). *برنامه‌ریزی و مدیریت مناطق کلان‌شهری*، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.

سعیدی‌فرد، فرانک و همکاران (۱۳۹۷). «تبیین بازتاب اقتصاد رانتی بر سازمان فضایی کلان‌شهرها (نمونه موردی: منطقه ۱ شهر تهران)»، *پژوهش‌های دانش زمین*، دوره ۹، شماره ۳۴، ص ۱۶۴-۱۴۵.

سیدجعفری، سیدحمید و همکاران (۱۳۹۷). «سنجش و ارزیابی وزن ژئوپلیتیکی ایران در فرایند انتقال بخشی از قدرت جهانی از نیمکره غربی به نیمکره شرقی»، *مطالعات راهبردی بسیج*، دوره ۲۱، شماره ۷۸، ص ۱۷۳-۱۹۲.

ظاهری، محمد (۱۳۸۷). «نقش روند گسترش کالبدی شهر تبریز در ایجاد تغییرات کاربری اراضی حومه شهر و روستاهای حوزه نفوذ مطالعه موردی: روستاهای الوار سفلی، باغ معروف، شادآباد مشایخ و کندرود»، *جغرافیا و توسعه*، دوره ۶، شماره ۱۱، ص ۱۸۱-۱۹۸.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲). «فضای جهانی - محلی: قدرت و بی‌قدرتی فرهنگ‌ها»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۱، شماره ۲۲، ص ۱۰۰-۸۱.

عناستانی، علی‌اکبر و زهرا عناستانی (۱۳۹۱). «تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقا کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: شهر جدید گلپه‌هار)»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۴، شماره ۴، ص ۲۳-۳۴.

محملی‌ایبانه، حمیدرضا (۱۳۹۰). «مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به‌منظور تکمیل آن براساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا»، *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، دوره ۴، شماره ۷، ص ۱۵۹-۱۷۱.

مردعلی، محمد (۱۳۹۱). «بررسی اقتصاد سیاسی سیستم‌های شهری با تأکید بر کلان‌شهر تهران در ایران»، مرکز تحقیقات

روستایی، دوره ۴، شماره ۴، ص ۸۷-۱۱۰.

امان‌پور، سعید و مهیار سجادیان (۱۳۹۶). «مذاقه‌های آسیب‌شناسانه بر سازمان‌یابی فضایی و مدیریت کلان‌شهر تهران منطبق بر رهیافت‌ها و رهنمودهای منبعت از آرمان‌مدیریت یکپارچه در کشور»، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، دوره ۸، شماره ۳۰، ص ۸۷-۱۲۵.

ایمانی شاملو، جواد و همکاران (۱۳۹۵). «سوداگری شهری و واگرایی فضایی تحلیل تحولات فضایی کلان‌شهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، دوره ۱۲، شماره ۴۱، ص ۱۰۴-۱۳۵.

بابکان‌پور، فرزاد و همکاران (۱۴۰۰). «مدیریت شهری و نقش آن در هدایت و کنترل توسعه فضایی - کالبدی مناطق پیراشهری یاسوج»، *توسعه فضاها و پیراشهری*، دوره ۳، شماره ۲، ص ۲۰۵-۲۲۴.

جهانشاهلو، لعلا و حسین ذبیحی (۱۳۹۸). «واکاوی عوامل مؤثر بر افزایش رانت زمین شهری در منطقه یک کلان‌شهر تهران»، *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، دوره ۹، شماره ۲، ص ۲۳۹-۲۵۵.

حسینی، علی و همکاران (۱۳۹۷). «تحلیل ساختار فضایی شهری با تأکید بر بُعد جمعیتی رویکرد ریخت‌شناسی شهر چندهسته‌ای. مطالعه موردی: شهر تهران»، *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، دوره ۸، شماره ۳۰، ص ۱۹-۳۸.

حمیدی، همایون و مهرزاد سرفرازی (۱۳۹۹). «جهانی‌شدن و مدیریت منابع انسانی»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱-۴۸.

رهبهر، عباسعلی و فاطمه حیدری (۱۳۹۰). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای سیاست‌گذاری»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۴، شماره ۱۴، ص ۲۱۹-۲۵۳.

سامتی، مرتضی و همکاران (۱۳۸۶). «تمرکززدایی و منافع تشکیل دولت‌های محلی از منظر افزایش کارایی»، *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۲، شماره ۷۸، ص ۱۲۳-۱۵۱.

سراقی، عیسی و همکاران (۱۳۸۸). «فرایند جهانی‌شدن و تأثیر آن بر روند شهرنشینی در کلان‌شهرهای کشورهای درحال توسعه (نمونه موردی: کلان‌شهر تهران)»، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی)*، دوره ۱۰، شماره ۱۳، ص ۱۳۹-۱۷۲.

و برنامه‌ریزی شهری تهران (TUPRC)، گزارش شماره
۱۳۵.

مهدوی وفا، حبیب‌اله و همکاران (۱۳۸۸). «نقش اقتصاد سیاسی
در ساختار فضایی تهران و پیرامون»، *محیط‌شناسی*، دوره
۳۵، شماره ۵۰، ص ۱-۱۴.

Alesina, A., & et al. (2006). Who adjusts and when?
The political economy of reforms. *IMF Staff
Papers*, 53(1), 1-29.

Bianchi, R. (2018). The political economy of
tourism development: A critical review. *Annals
of Tourism Research*, 70, 88-102 .

Eagleton-Pierce, M., & Knafo, S. (2020).
Introduction: The political economy of
managerialism. *Review of International
Political Economy*, 27(4), 763-779.

Vincent, S., & et al. (2020). Situating human
resource management in the political economy:
Multilevel theorising and opportunities for
kaleidoscopic imagination. *Human Resource
Management Journal*, 30(4), 461-477.

Wiedmann, F., & et al. (2012). Urban evolution of
the city of Doha: An investigation into the
impact of economic transformations on urban
structures. *METU Journal of the Faculty of
Architecture*, 29(2), 35-61.

Williams, R. G. (2022). The Political Economy.
*The Oxford Handbook of Central American
History*, 253.